

علل افول کتابخانه‌های اسلامی

علی اصغر شیری

مقدمه: عصر شکوفایی

از اوان تأسیس بیت الحکمه، اولین و بزرگترین فرهنگستان و کتابخانه اسلامی، تا سده‌های چهارم و پنجم که کتابخانه‌های عظیم اسلامی در گوشه و کنار جهان اسلام از شیراز و نیشابور گرفته تا بغداد و قاهره و قرطبه منصفه ظهور یافتند، بیش از دویست سال عصر زرین و شکوفایی کتابخانه‌های اسلامی به شمار می‌آید. به عنوان نمونه‌های اولیه در این زمینه می‌توان از کتابخانه‌های باشکوه خلفا نام برد. تقریباً هر سلسله‌ای، از خلفای بنی امیه و عباس گرفته تا امویان اسپانیا، حمدانیان حلب، فاطمیان مصر، آل بویه در فارس، سامانیان در بخارا، حکام غزنوی و مغولان هند، در مرکز حکومت خود کتابخانه‌های باشکوهی تأسیس کردند. این گروه و علاقه به کتاب‌اندوزی و ارج نهادن به کتاب در سده چهارم در شکوفایی علمی و فکری و پیدایی نهضت علمی اسلامی، که آدام متر از آن با عنوان «رنسانس اسلامی» یاد می‌کند، تأثیری بس شگرف داشت. حال به قصد روشن ساختن گستره کتابخانه‌های اسلامی به ذکر چند مورد می‌پردازیم.

در اواخر قرن چهارم، هر یک از سه فرمانروای مهم اسلامی در بغداد، مصر و قرطبه، دارای کتابخانه‌های عظیمی بودند. به عنوان نمونه عزیزین معز، خلیفه فاطمی در مصر، خزانه‌الکتب بزرگی داشت. برخی کوشیده‌اند تا تعداد کتابهای

آن را تخمین بزنند؛ از جمله مقریزی در کتاب خطط خود نقل می‌کند که تعداد کتابهای آن ششصد هزار بوده است. برای مقایسه در این زمینه به چند کتابخانه غربی در همان زمان اشاره می‌کنیم: کتابخانه کلیسای شهر کنستانتز در قرن نهم میلادی فقط سیصد و پنجاه و شش کتاب داشت، کتابخانه دیر بندیکتی در سال ۱۰۳۲ میلادی کمی بیش از صد جلد و کتابخانه کلیسای جامع شهر بامبرگ به سال ۱۱۳۰ میلادی فقط دارای نود و شش جلد کتاب بود.^۱ در کتابخانه قرطبه چهارصد هزار جلد کتاب وجود داشت و فهرست کتابهای این کتابخانه در ۴۴ جلد تهیه شده بود.^۲

در غرناطه (گرنادا) در عصر امویان هفتاد کتابخانه عمومی وجود داشت، در صورتی که چهارصد سال پس از این تاریخ، شارل عاقل (Charles le Sage) امپراتور فرانسه برای تأسیس کتابخانه دولتی پاریس پس از زحمات زیاد فقط توانست نهصد جلد کتاب جمع‌آوری کند که یک ثلث آن نیز ادعیه و اوراد راهبان و کشیشان بود.^۳

در باب کتابفروشیهای شهرهای اسلامی گفته‌ایم که مورخ را می‌توان مطرح ساخت که معتقد است در زمان او تنها در بغداد متجاوز از صد کتابفروشی وجود داشته است. ضیاءالدین سردار در این زمینه به کتابفروشی ابن ندیم اشاره می‌نماید. او معتقد است کتابفروشی ابن ندیم که کتب موجود در فهرست مفصل او (الفهرست) را شامل می‌شد، چندین برابر بزرگتر از کتابفروشی فویل لندن (Foyles of London) که در آن زمان به عنوان بزرگترین کتابفروشی جهان توصیف می‌شد، بوده است.^۴

در مورد عظمت و شکوه‌مندی کتابخانه‌های اسلامی مطالب بسیاری نوشته و نقل شده است. در اینجا هدف بررسی اجمالی علل و عواملی است که به نوعی در از بین رفتن و ویران شدن این کتابخانه‌ها نقش داشته است. در این بررسی به سه دسته از عوامل عمده اشاره می‌کنیم: ۱. عوامل خارجی ۲. عوامل داخلی ۳. سایر عوامل.

عوامل خارجی :

۱. صلیبیون . در خلال جنگهای صلیبی بیشترین و اسفبارترین خسارت بر کتابخانه ها و مساجد سوریه وارد آمد . کتابخانه طرابلس شام یکی از عظیم ترین کتابخانه های عمومی آنروزگار بود که به وسیله خلفای فاطمی - که پیروان اسماعیلیه بودند - دایره شده بود . در این کتابخانه بیش از ۱۸۰ نفر به نویسندگی و خطاطی اشتغال داشتند . گویند تعداد کتابهای آن به سه میلیون می رسد که پنجاه هزار نسخه قرآن کریم و هشتاد هزار جلد تفاسیر قرآن بود .

در سال ۱۰۰۹ میلادی ، مصادف با ۵۰۲ هجری ، جنگجویان صلیبی این کتابخانه بزرگ را آتش زدند . می گویند یکی از کشیشان وارد کتابخانه شد . و از فزونی کتابها مبهوت ماند . ابتدا به سالن اختصاصی کتب قرآن رفت و هنگامی که نخستین کتاب را برداشت و باز کرد ، اتفاقاً قرآن مجید بود . آن را به زمین افکند و کتاب دوم را برداشت ، باز هم قرآن بود . آن را نیز به زمین انداخت . بیست بار این کار را تکرار کرد ، باز قرآن مجید بود . سرانجام چنین تصور کرد که کل مجموعه تنها شامل قرآن است . به لشگریان دستور داد : این کتابخانه مملو از کتابهای قرآنی است ، آن را آتش زنید . او نتوانست تشخیص دهد که تنها به مخزن مصاحف و تفاسیر داخل شده است . دستور کشیش متعصب اجرا گشت و کل کتابخانه در آتش بسوخت . البته برخی از مورخان در صدد انکار برآمده اند ، لیکن علاوه بر مورخان اسلامی ، مورخان غربی ، از جمله گیون و تامپسون ، به این حقیقت اعتراف کرده اند .^۵

۲. مسیحیون اسپانیا . در میان شهرهای اندلس یا اسپانیای اسلامی سه شهر از حیث عظمت کتابخانه هایشان سرآمد بودند : قرطبه ، غرناطه ، طلیطله . (کوردوبا ، گرنادا ، تولدو) . همان طور که قبلاً اشاره شد ، غرناطه در عصر امویان هفتاد کتابخانه عمومی داشت . هنگامی که شاهزادگان مسیحی در سال ۱۴۹۲ میلادی مسلمانان را از اسپانیا بیرون راندند ، کتابخانه های خصوصی و عمومی به سرنوشت غم انگیزی دچار آمدند . اسقف اعظم اسپانیا ، کزیمنس ، دستور داد هشتاد هزار جلد کتاب عربی را در میدان عمومی شهر غرناطه به آتش کشیدند . مسیحیون پس از تسخیر مسجد جامع شهر قرطبه و تبدیل آن به کلیسای جامع و نیز تبدیل مسجد جامع شهر طلیطله (تولدو) به اصطبل اسبان شهر ، کتابهای گرانبهای این مساجد را در آتش

سوزانیدند .^۶

کتابخانه سلطان مراکش ، که می گویند هنگام عزیمت از اندلس آن را در یک کشتی به مقصدی فرستاده بود ، بالغ بر سیصد - چهارصد هزار کتاب بود که دزدان دریایی کشتی را متصرف شدند . همین مجموعه بود که بعدها به دست فیلیپ دوم ، پادشاه اسپانیا ، افتاد و هسته اصلی کتابخانه اسکوریال را تشکیل داد . اما متأسفانه در ژوئن ۱۶۷۴ بسیاری از این کتابها سوزانیده شد . یک قرن بعد وقتی مایکل کاسیری فهرستبرداری از مجموعه عربی اسکوریال را شروع کرد ، تنها ۱۸۲۴ متن فرسوده یافت که احتمالاً بقایای بزرگترین کتابخانه های آن زمان در قرطبه بود .^۷

۳. مغولان . بی تردید عظیمترین ضایعات را مغولان بر گنجینه های علمی مسلمین در سرزمینهای شرقی وارد آوردند . از آنجایی که دامنه حملات این قوم یورشگر از ایران تا سرزمینهای عراق و سوریه گسترده بود ، کتابخانه ها نیز همچون مردم این بلاد از گزند و فتنه مغول در امان نماندند . به دلیل پراکندگی کتابخانه ها در سرزمینهای مذکور ابتدا به کتابخانه های ایران و سپس به کتابخانه های عراق و سوریه می پردازیم .

الف) کتابخانه های ایران : از قرن سوم تا هجوم چنگیزخان به ایران شهرهای بخارا ، مرو ، بلخ ، نیشابور ، غزنه ، اصفهان ، ری و ساوه مرکزیت علمی داشتند و در هر یک از این شهرها مدرسه هایی برای پرورش دانش پژوهان وجود داشت . در میان شهرهای یاد شده مرو و بخارا از حیث مرکزیت علمی از اعتبار و وجهه خاصی برخوردار بودند . یاقوت حموی از عظمت و بزرگی مرو و کتابخانه های مشهورش چنین یاد می کند :

متأسفم از اینکه از شهر مرو جدا شدم . در مرو ده کتابخانه وجود داشت که مانند آنها از لحاظ تعداد کتاب و نفاست و ارزش در جهان ندیده ام . اگر مغول به مرو حمله نمی کرد ، هرگز از مرو بیرون نمی شدم .

پس از حمله مغول ، کتابخانه های بسیاری در شهرهای پیشگفته مورد نهب و غارت و ویرانی قرار گرفت . برای نمونه کتابخانه مسعودییک در بخارا تا قبل از حمله چنگیز به بخارا یکی از مدارس و کتابخانه های عمومی و معتبر به حساب می آمد که مغولان پس از تصرف بخارا آن را ویران ساختند . کتابخانه ساوه نیز ، مانند اصفهان ، از مراکز علمی و مذهبی شافعیان بود . شهر ساوه دارای مسجد جامع و مدرسه ای بزرگ و معروف بود که

تیمور منازل، مدارس و مساجد دمشق را به مدت سه روز متوالی به آتش کشیدند. کردعلی می نویسد اکثر کتابخانه های دمشق در جریان این حملات طعمه حریق شدند. تیمور و لشکریانش حلب را نیز مانند دمشق مورد هجوم قرار دادند و کتابخانه های آن دیار را، چون کتابخانه های حمدانیان که توسط سیف الدوله تاسیس شده بود، نابود ساختند. کیالی نقل می کند که بسیاری از کتابخانه های حلب، از جمله کتابخانه صوفیه (شرقیه) در مسجد جامع حلب که مجموعه ای ده هزار جلدی داشت، در جریان یورشهای مغول ویران شد و به تاراج رفت.^{۱۲}

عوامل داخلی:

اگرچه علل خارجی بیشترین و مصیبت بارترین صدمات را بر ذخایر علمی مسلمین وارد ساخت، لیکن عوامل داخلی نیز در نابودی برخی از کتابخانه ها بی تاثیر نبوده است. کشمکشها و نزاعهای مذهبی و فرقه ای و اقوام یورشگر ساکن بلاد اسلامی را می توان بارزترین علل داخلی برشمرد.

الف) ایران: در عصر استیلای غزنویان بسیاری از کتابخانه های باارزش و بزرگ از بین رفتند. کتابخانه معتبر و با ابهت صاحب بن عباد، که به گفته خود او صد و هفده هزار جلد کتاب داشته، در ری از اهمیت خاصی برخوردار بود. این کتابخانه پس از آنکه به کتابخانه ابوالفتح ذوالکفایتین (فرزند ابن عمید) ضمیمه شد، عظمت و شهرتی بی نظیر یافت و صاحب بن عباد نام آن را دارالکتب ری گذارد. هنگامی که سلطان محمود غزنوی به ری و عراق دست یافت، چون مردی متظاهر و متعصب بود، به این دلیل با اطلاع از اینکه کتابخانه عمومی ری مخزن کتابهای شیعی، معتزلی و رافضی است، پس از تصرف ری دستور داد کتابهایی که متعلق به این فرق بود بسوزانند و قصد داشت کتابهای کلامی را به غزنه حمل کند که توفیق نیافت و مازاد کتابهای کتابخانه عمومی ری تا زمان ابوالحسن بیهقی همچنان باقی ماند. پیداست که پس از سوزانده شدن کتابهای مربوط به عقاید شیعیان و معتزلیها، هنوز چنان عظمتی داشته است که ابوالحسن بیهقی می نویسد: «من کتابخانه را پس از سوزانده شدن به دستور سلطان محمود دیدم و می توانم صعوبت حمل و نقل آن را از ری به بخارا و صحت نظر صاحب بن عباد را گواهی دهم. این کتابخانه چنان عظیم بود

مدرسه آن دارای کتابخانه ای بزرگ و کم نظیر بود پس از حمله مغول به ایران و تصرف شهر ساوه، سپاهیان مغول مسجد و مدرسه را خراب کردند و کتابهایش را سوزاندند.^۸

هجوم هولاکو، در مرکز عمده کتاب و علم یعنی الموت و بغداد را به ویرانی کشید. در اینجا به ذکر کتابخانه الموت بسنده کرده و در مورد بغداد در قسمت بعد توضیح خواهیم داد. کتابخانه «سیدنا» در الموت یکی از کتابخانه های نفیس و عظیم اسماعیلیان، توسط حسن صباح به منظور تحقیق و تفحص در ملل و نحل و عقاید مختلف اسلامی و تالیف آثار اسماعیلی پی ریزی شد. پس از تسخیر قلعه الموت به دست هلاکوخان مغول و ملاحظه کتابخانه عظیم «سیدنا»، چون متعصبان نظر داده بودند که کتابهای آن کتابخانه ضاله است و باید آتش زده شود، هلاکوخان فرمان داد تا کتابخانه را بسوزانند. عظاملک جوینی، وزیر خردمند و با تدبیر ایرانی، از هلاکو درخواست کرد تا کتابهای مفید را جدا سازند. هلاکو با استدعای جوینی موافقت کرد که او نظارت کند و کتابهایی که ماندن آن را مصلحت می داند برگزیند و مازاد را در آتش بسوزانند. عظاملک، با همکاری خواجه نصیرالدین طوسی، عالم بزرگ شیعی، کتابهای ریاضیات، نجوم و طب را برگزید و این کتابها بعداً به رصدخانه مراغه، که به دستور هلاکوخان و توسط خواجه نصیر تاسیس شده بود، منتقل گشت و مابقی از بین رفت.^۹

ب) کتابخانه های بغداد: ویل دورانت در تاریخ تمدن خود می نویسد وقتی مغولان بغداد را به ویرانی کشیدند، سی و شش کتابخانه عمومی در آنجا بود و این بجز تعداد بی شمار کتابخانه های خصوصی بود.^{۱۰} یعقوبی نیز در تاریخ خود تصریح می کند که پیش از یورش مغولان یکصد کتابفروشی در بغداد وجود داشت. مغولان پس از استیلای بر بغداد در سال ۶۵۶ هجری اکثر کتابخانه های شهر را سوزاندند و از کتابها برای سوخت استفاده کردند. در طی حملات مدهش این قوم ویرانگر، بیت الحکمه بغداد، یکی از بزرگترین و غنی ترین گنجینه های مسلمین، نیز ویران گشت.^{۱۱}

ج) کتابخانه های سوریه: کتابخانه های سوریه نیز، همچون سایر بلاد اسلامی، از فتنه مغول مصون نماند، مغولان ابتدا به فرماندهی هولاکو و سپس تیمور لنگ دمشق را مورد تاخت و تاز قرار داده و تعداد بی شماری از کتابهای نفیس این شهر را سوزاندند و از بین بردند. در سال ۸۰۳ هجری لشکریان

شیعی و کتابدار کتابخانه صوفیه، به خاطر شیعه بودن مرتد خوانده شد و از سمت کتابداری کتابخانه عزل و به دار آویخته شد.^{۱۷}

ج) مصر: دارالعلم یا دارالحکمة قاهره در سال ۳۹۵ به دست «الحاکم بامرالله»، خلیفه فاطمی، تأسیس شد. این کتابخانه عظیم به روی همگان باز بود. در دارالعلم بارها گفت و شنودهای علمی میان دانشمندان درمی گرفت و چه بسیار که به مناظره و مشاجره می کشید. این مؤسسه تا آغاز قرن ششم هجری بلندآوازه میزیست. آنگاه ملک افضل دریافت که گروهی معین دارالعلم را پایگاه خواسته های فرقه ای خود کرده اند، از این رو بی درنگ دستور بسته شدنش را داد. در سال ۵۱۷ هجری، پس از مرگ ملک افضل، خلیفه الامر بامرالله به وزیرش مأمون بطانچی فرمان بازگشایی دارالعلم را صادر کرد. این بنیاد آموزشی حیات خود را از سرگرفت و تا سقوط سلسله فاطمیان همچنان به کار خود ادامه داد. صلاح الدین ایوبی پس از منقرض ساختن سلسله فاطمیان آن را ویران کرد و به جای آن مدرسه ای شافعی برپا ساخت.^{۱۸}

یکی دیگر از باشکوهترین کتابخانه های اسلامی مصر، کتابخانه العزیز بن معز خلیفه فاطمی بود. خلفای فاطمی بی اندازه مشتاق بودند تا نسخه ای از هر کتاب را در کاخ خود داشته باشند. در مورد تعداد این مجموعه عظیم اختلاف نظر وجود دارد. ابوشامه می گوید دو میلیون بوده و مقریزی به یک میلیون و ششصد هزار عقیده دارد. این کتابخانه غنی و شکوهمند تا جنگ داخلی مصر و شورش ترکان علیه المستنصر، خلیفه فاطمی، دوام داشت و آنگاه شیرازه آن از هم گسیخت. در پهنه این جنگ، ترکان یورشگر به سوی شهرها گسیل شدند و دستاوردهای علمی و هنری را نابود ساختند و ناگوارتر از همه اینکه کتابخانه عزیزبن معز را با خاک یکسان نمودند. دستنوشته های کم مانند را آتش زدند و برای سربازان از جلد های کتابها پای افزار ساختند و کتابهای پاره شده بسیاری را سوزاندند و یا به رودخانه نیل ریختند و پشته ای از کتابها، که به «تل الکتب» معروف شد، به جای ماند. هنگامی که بدرالجمالی به رهبری مصر رسید، بسیاری از آن کتابها را تا می توانست کشف کرد و دوباره آن کتابخانه را ساخت. این گنجینه در کاخهای فاطمیان تا سرنگونی این سلسله به دست صلاح الدین ایوبی همچنان باقی ماند. صلاح الدین این کتابخانه

که فهرست کتابهای آن شامل ده مجلد می شد.^{۱۳} علاوه بر کتابخانه صاحب بن عباد، کتابخانه های دیگر دیالمه در اصفهان و ری و رامهرمز به دست محمود غزنوی و پسرش امیر مسعود سوخته شد. قسمتی از تالیفات ابوعلی سینا، که در کتابخانه ابو جعفر کاکویه در اصفهان بود، در قتل و غارت همه گیر امیر مسعود به اصفهان در سال ۴۲۰ هجری نیز سوزانیده شد. کتابخانه مسجد جامع اصفهان که چهل تا شصت مجلد فهرست داشت نیز در غلبه امیر مسعود و هم به دست باطنیان سوخته شد. برخی نوشته اند که در غلبه سلطان محمود به ری از کتابخانه های سلاطین دیالمه و صاحب بن عباد و غیره تمام کتابهای فلسفه، ریاضی، هیئت و نجوم و مؤلفات شیعی و معتزلی را هر چه بود، آتش زدند و از باقی مانده اش صدبار شتر کتاب از ری به غزنین بردند.^{۱۴}

در دیلمان، که مرکز شیعیان بود، پس از آنکه سلطان محمود آنجا را متصرف شد، همان عمل زشتی را که درباره کتابخانه ری مرتکب شده بود انجام داد و آن اینکه دانشمندان و بزرگان دیلم را، که شیعی بودند، بکشت و کتابخانه های ایشان را نیز به آتش کشید. مجمل التواریخ و القصص در این مورد می نویسد:

و بسیار دارها بفرمود زدن و بزرگان دیلم را بر درخت کشیدند و بهری را در پوست گاو دوخت و به غزنین فرستاد و مقدار پنجاه خروار کتاب و دفتر روافض و باطنیان و فلاسفه از سرای ایشان بیرون آورد و در زیر درخت های آویختگان بفرمود سوختن.^{۱۵}

ب) عراق و سوریه: در بغداد، فقیه عالیقدر شیعه، شیخ طوسی، در مدت اقامت چهل ساله خود کتابخانه ارزشمندی تأسیس کرده بود که منابع و مدارک فقهی و کلامی و سایر رشته های علوم اسلامی را دارا بود؛ ولی متأسفانه در حادثه سال ۴۴۹ هجری در محله کرخ به دست عده ای از متعصبان در ملا عمومی جلو مسجد نصر بغداد به آتش کشیده شد.^{۱۶}

در سوریه در زمان ابوالعلاء معری، شاعر نامی، نیز میان ساکنان شیعه و سنی حلب نزاعی رخ داد که در جریان این کشمکش کتابخانه صوفیه مسجد جامع حلب نیز مورد هجوم قرار گرفته و قسمت اعظم آن سوزانیده شد. شواهدی حاکی از آن است که تنشهای فرقه ای و مذهبی تا سالها بعد نیز ادامه داشته است. در سال ۴۶۰ هجری ثابت الفحاحوی، دانشمند

را مورد هجوم قرار داد و کتابهایی را که با مذهب اهل سنت سازگار نبود، از میان برد و برخی را فروخت و مانده‌ای از آن را به دبیران خویش، القاضی الفاضل و عمادالدین اصفهانی، ارمغان داد.^{۱۹}

علاوه بر کتابخانه‌های فوق، کتابخانه مسجد ازهر قاهره نیز در سال ۵۶۷ به هنگام استیلای صلاح‌الدین ایوبی بر قاهره در آتش بسوخت. صلاح‌الدین چون خود سنی مذهب بود کتابهای کتابخانه‌های فاطمیان را که شیعی مذهب بودند، از بین برد.^{۲۰}

(د) اندلس: کتابخانه‌الحکم ثانی، مستنصر بالله، در اندلس یکی دیگر از کتابخانه‌های باشکوه جهان اسلام بود. این کتابخانه پس از مرگ مستنصر و به قدرت رسیدن منصور بن ابی‌عامر، دستخوش سرنوشتی ناگوار گردید. ابی‌عامر کلیه کتابهای فلسفی و کتابهای پیشینیان را از کتابها جدا ساخت و همه را برای خشنودی عده‌ای در میدان عمومی قرطبه به آتش کشید. پس از درگذشت منصور در اوایل قرن پنجم هجری، وقتی یکی از نزدیکان منصور به پولی احتیاج پیدا کرد، بیشتر کتابهای آن کتابخانه را فروخت و باقیمانده کتابها در بورش بربرها غارت گردید.^{۲۱}

سایر عوامل: علاوه بر علل خارجی و داخلی، حوادث غیر مترقبه‌ای چون آتش سوزی، در از بین رفتن بسیاری از کتابخانه‌ها، بویژه کتابخانه‌های مساجد، نقش داشته است. قسمت اعظم کتابخانه ابونصر شاپورین اردشیر، وزیر صمصام الدوله دیلمی، در سال ۴۴۷ هجری در آتش سوزی محل کرخ بغداد از بین رفت.^{۲۲} داستان کتابخانه عظیم سامانیان، که ابوعلی سینا از آن دیدن کرده بود، نیز بسیار معروف است. پس از اینکه بوعلی سینا جلای وطن کرد، اتفاقاً کتابخانه آتش گرفت و بسوخت.^{۲۳}

شواهدی حاکی از آن است که مسجد بنی‌امیه در دمشق از ابتدای تأسیس در سال ۹۶ هجری ده بار، عمداً یا اتفاقاً، دچار آتش سوزی گردیده است. آتش سوزیهای سالهای ۴۶۱، ۸۰۳ و ۱۳۱۱ هجری بیشترین خسارت را بر مجموعه کتابخانه این مسجد وارد آورده است. گورگیس عواد در مورد کتابخانه حیدری مسجد جامع نجف (عراق) می‌نویسد: در آتش سوزی سال ۷۵۵ هجری که در مسجد رخ داد، کتابخانه مسجد بشدت آسیب دید. از همچنین نقل می‌کند که یکی از با ارزشترین کتابهای این کتابخانه، که در جریان آتش سوزی از بین رفت،

نسخه‌ای سه جلدی از قرآن بود که نگارش آن را به حضرت علی-ع- منسوب می‌دانستند. قسمت اعظم مجموعه کتابخانه مسجد پیامبر در مدینه نیز در جریان آتش سوزی در سال ۸۸۶ هجری از بین رفت.^{۲۴}

نتیجه

اگرچه بسیاری از کتابخانه‌ها توسط مغولان، صلیبیون، مسیحیان غربی، ترکها، مذهبیون متعصب و یا آتش سوزی از بین رفت، اما این همه به معنای از بین رفتن کلیه کتابخانه‌ها نبود. شمار زیادی از کتابخانه‌ها، بویژه کتابخانه‌های خصوصی، از گزند این عوامل مصون ماند. بسیاری از کتابخانه‌های قلمرو غربی اسلام از دسترس مهاجمان مغول دور بوده و از ویرانی در امان بوده‌اند. افزون بر این، بخش عظیمی از ذخایر علمی مسلمین ضمن ترجمه شدن به زبانهای عبری، اسپانیایی، ایتالیایی، یونانی، کاتالان و سایر زبانها، در طی قرون دوازدهم و سیزدهم، درست پیش از حملات مغول، حفظ گردید و به دست محققان اروپایی افتاد.

هر چند صلیبیون و مسیحیان غربی در از بین بردن و نابودسازی میراث علمی فرهنگی مسلمین در شمال افریقا، اروپا، بویژه اسپانیا، از هیچ کوششی فروگذار نکردند، اما باید این نکته را یادآور شد که به مدد ترجمه همین آثار علمی اسلامی، و انتقال دانش مسلمین به اروپا بود که زمینه‌های بیداری فکری و روشن اندیشی در اروپا شکل گرفت.

پاورقیها:

۱. آدم متز. تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری. ترجمه علیرضا ذکاوتی فراگزلو. (تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲). ص ۲۰۲.
۲. طاهره علومی. کتاب و کتابداری بعد از اسلام و مقایسه آن با شرایط کنونی، در سمینار کتاب و کتابداری، نشریه سمینار کتاب و کتابداری. (مشهد، دانشگاه مشهد، ۱۳۶۰). ص ۷۴.
۳. گوستاو لوبون. تمدن اسلام و عرب. ترجمه محمدتقی فخر داعی گیلانی. (تهران، علی اکبر علمی، ۱۳۳۴). ص ۵۵۸.
۴. ضیاءالدین سزدار. میراث اسلامی در گذشته و حال. ترجمه علی اصغر شیری. پیام کتابخانه، سال دوم (بهار ۱۳۷۱). ص ۳۰.
۵. عبدالرحیم عقیقی بخشایشی. کتاب و کتابخانه: زیربنای تمدن و علوم اسلامی. (قم، مهر استوار، ۱۳۵۶). ص ۱۲۸-۱۲۹.

- تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱.
۸. عزتی، ابوالفضل. کتاب و کتابخانه در فرهنگ اسلامی. نگین، س ۱۱۵ (بهمن ۱۳۵۳): ۴۴-۴۹.
 ۹. عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم. کتاب و کتابخانه: زیربنای تمدن اسلامی. قم: مهر استوار، ۱۳۵۶.
 ۱۰. علومی، ظاهره. کتاب و کتابداری بعد از اسلام و مقایسه آن با شرایط کنونی، در سمینار کتاب و کتابداری (دوم تا چهارم خرداد ۱۳۶۰)، نشریه سمینار کتاب و کتابداری. مشهد: دانشگاه مشهد، ۱۳۶۰.
 ۱۱. لوبون، گوستاو. تمدن اسلام و عرب. ترجمه محمد فخر داعی گیلانی. تهران: علی اکبر علمی، ۱۳۳۴.
 ۱۲. منتز، آدام. تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری. ترجمه علیرضا ذکاوتی فراگرلو. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۲.
 ۱۳. مطهری، مرتضی، کتابسوزی ایران و مصر. قم: صدرا، ۱۳۵۷.
 ۱۴. نخستین، مهدی. تاریخ سرچشمه های اسلامی آموزش و پرورش غرب. مترجم عبدالله ظهیری. مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۶۷.
 ۱۵. همایونفرخ، رکن الدین. تاریخچه کتابخانه های ایران و کتابخانه های عمومی. تهران: اتحاد، [بی تا].
 ۱۶. همائی، جلال الدین. تاریخ علوم اسلامی. تهران: نشر هما، ۱۳۶۳.
 ۱۷. هونکه، زیگرید. فرهنگ اسلام و اروپا. ترجمه مرتضی رهبانی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱.

(ب) انگلیسی:

1. Ahmad Khan, Kabir. "library movement in the muslim world". Islamic culture, No4 (october 1982): 303 - 316.
2. Ahmad khan, kabir. organization and administration of libraries in the Islamic world". Islamic culture, LV (April 1981): 123 - 129.
3. Frye, Richard N., editor. cambridge history of Iran. Cambridge: cambridge university press, 1975. V.4
4. Lanepool, Stanley. The Moors in spain. london: Daft, 1984.
5. Pear son,j, d. "Maktaba". Eney clopedia of Islam. V.6, pp. 1021 - 1023.
6. Thompson, James westfall. The Medieval library. New york: Hafnes, 1964.

6. Mohamed Makki Sibai. *Mosque libraries: An historical study*. (London, Mansell, 1987). p. 118.
۷. مهدی نخستین. تاریخ سرچشمه های اسلامی آموزش و پرورش غرب. ترجمه عبدالله ظهیری. (مشهد، آستان قدس، ۱۳۶۷). ص ۹۸.
۸. رکن الدین همایونفرخ. تاریخچه کتابخانه های ایران و کتابخانه های عمومی. (تهران، اتحاد). ص ۳۹-۴۲.
۹. همان. ص ۴۶-۴۷.
۱۰. ویل دورانت. تاریخ تمدن. کتاب چهارم عصر ایمان، بخش دوم تمدن اسلامی. ترجمه ابوالقاسم پاینده. (تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۶). ص ۳۰۴.
11. Makki Sibai, op, cit. p. 118-119.
12. Makki Sibai, op. cit. p. 119.
۱۳. رکن الدین همایونفرخ. ص ۳۱-۳۲.
۱۴. جلال الدین همایی. تاریخ علوم اسلامی. (تهران، نشر هما، ۱۳۶۳). ص ۴۶.
۱۵. رکن الدین همایونفرخ. ص ۳۴-۳۵.
۱۶. عبدالرحیم عقیقی بخشایشی. ص ۱۴۳.
17. Makki Sibai, op. cit. p. 121.
۱۸. احمد شلبی. تاریخ آموزش در اسلام. ترجمه محمدحسین ساکت. (تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱). ص ۱۵۸.
۱۹. همان، ص ۱۶۳-۱۶۴.
20. Makki Sibai, op. cit. p. 120.
۲۱. عبدالرحیم عقیقی بخشایشی. ص ۱۲۶.
۲۲. جلال الدین همائی. ص ۴۶.
۲۳. همان. ص ۴۶.
24. Makki Sibai, op. cit. p. 123.

منابع:

(الف) فارسی:

۱. اقبال آشتیانی، عباس. تاریخ مغول. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴.
۲. حلیمی، علی اصغر. تاریخ تمدن اسلام. تهران: چاپ و نشر بنیاد، ۱۳۶۵.
۳. دورانت، ویل. تاریخ تمدن: کتاب چهارم عصر ایمان بخش دوم تمدن اسلامی. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۶.
۴. زرین کوب، عبدالحسین. کارنامه اسلام. تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۷.
۵. زیدان، جرجی. تاریخ تمدن اسلام. ترجمه علی جواهر کلام. تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۲.
۶. سردار، ضیاءالدین. «میراث اسلامی در گذشته و حال». ترجمه علی اصغر شیری، پیام کتابخانه، سال دوم (بهار ۱۳۷۱): ۲۵-۳۱.
۷. شلبی، احمد. تاریخ آموزش در اسلام. ترجمه محمدحسین ساکت.

